

فیلم نوآر: تاریکی ادامه دارد...

مقدمه

فیلم نوآر اصطلاحی است که برای اولین بار توسط نینو فرانک (Nino Frank) منتقد فیلم فرانسوی در سال 1946 میلادی به کار گرفته شد. ترجمه این عبارت «فیلم تاریک» یا «فیلم سیاه» است و به طور مستقیم به فیلم هایی اشاره دارد که با ساختاری مشابه و مضمونی تاریک بین اوایل دهه چهل تا اواخر دهه پنجاه میلادی در آمریکا ساخته می شد. اگر بخواهیم زمان دقیق تری از شکل گیری این سبک فیلم سازی ارائه دهیم باید سال های 1945 تا 1958 را در نظر بگیریم که جامعه آمریکایی دست خوش مشکلات و مسائل جدیدی شده بود. از جمله این مسائل مهم جنگ جهانی دوم و تاثیرپذیری عمیق جامعه آمریکا در دهه



تصویر شماره 1: فیلم نوآر سبکی از فیلمسازی است که در آمریکا و در دهه های 40 و 50 میلادی شکل گرفت.

چهل و همچنین شروع جنگ سرد با شوروی در دهه پنجاه است. غالب این فیلم ها رویکردی سیاه اندیشانه دارند و از فرم های سینمایی خاصی مانند تصویر سیاه و سفید، تصویربرداری در شب با نور غیر طبیعی و خیابان های باران خورده استفاده می کنند. نزدیک ترین ژانرهایی که می توان برای این قبیل فیلم ها یافت ژانرهای جنایی، رازآلود و کارآگاهی است. گرچه اصطلاح «فیلم نوآر» تا دهه هفتاد میلادی مورد استقبال منتقدان سینما قرار نگرفت، اما از آن پس تحقیقات وسیعی درباره ابعاد فکری و فنی این اصطلاح انجام شد. در ادامه این مقاله توضیح خواهیم داد، که این اصطلاح به فیلم های دهه چهل و پنجاه محدود نمی شود و با گسترش محبوبیت این سبک و همچنین ادامه داشتن عوامل تاثیرگذار بر روی آن همچنان در قرن 21 فیلم هایی با این سبک ساخته می شود.

عوامل شکل گیری نوآر

معمولا سینمای پویا و زنده نسبت به مسائل اجتماعی حساسیت و واکنش نشان می دهد. همان طور که گفته شد شرایط ویژه و مشکلاتی که آمریکا خصوصا پس از جنگ جهانی دوم با آنها دست به گریبان بود، حس نگرانی از سقوط اجتماعی و ترسی عمومی را در ذهن هنرمندان القا می کرد. سربازان آمریکایی در زمان جنگ از زادگاه خود دور می شدند و حاصل آن تنهایی و فقر و ضربه های روحی برای خانواده ها و یا مشکلات عمده برای خود آنها بود. سربازانی که در جنگ کشته می شدند، خانواده های خود را داغدار و از لحاظ مالی بی پشتیبان می کردند و سربازانی که زنده باز می گشتند (اگر زخمی و معلول نبودند) با مشکلاتی از قبیل عدم توانایی در همساز شدن با جامعه جدید پس از جنگ دست به گریبان بودند. بی اعتمادی نسبت به زنانی که در طول جنگ مسئول تامین معاش خانواده بودند و گاهی حتی لطافت زنانه خود را از دست داده بودند از جمله مهمترین المان های تاثیرگذار بر ذهن هنرمندان و فیلمسازان بود.

فیلمسازان آمریکایی تحت تاثیر این عوامل نسبت به شرایط اجتماعی واکنش نشان دادند. از نظر آنان این اتفاقات بخشی از سیر طبیعی جهان هستند به طوری که ما نمی توانیم کاری برای آن بکنیم و سینما هم پاسخی برای آن ندارد. در واقع جو سرخوردگی و ناامیدی که در جامعه حاکم بود به فیلمسازان نیز منتقل شد و فیلم ها مضمونی سیاه و نگران به خود گرفتند. البته

باید به این نکته توجه کرد که جو اجتماعی به صورت ناخودآگاه بر روی فیلمنامه نویسان و کارگردانان تاثیر گذاشته بود، به طوری که در دهه های چهل و پنجاه میلادی هنوز اصطلاح نوآر برای این قبیل فیلم ها به کار گرفته نمی شد. در واقع اینگونه نبود که به صورت از پیش تعیین شده سبک یا ژانری به عنوان نوآر وجود داشته باشد و کارگردانان در ساخت این فیلم ها از آن پیروی کنند. بلکه اصطلاح «نوآر» برای نخستین بار در دهه هفتاد باب شد و مورد شناخت عمومی قرار گرفت. شاید به همین خاطر باشد که هنوز بین کارشناسان توافقی بر سر این مطلب وجود ندارد که آیا نوآر یک سبک است یا یک ژانر. تفاوت ژانر و سبک در آن است که اولی دسته بندی کلی و مفهومی فیلم ها است حال آنکه سبک بیشتر به شکل اجرا یا نوع بیان گفته می شود. در واقع ژانر کلی تر و نظری تر است، حال آنکه سبک جزئی تر و عملی تر است. برخی کارشناسان مانند فاستر هیرش¹ (Foster Hirsch) معتقدند نوآر یک ژانر است چرا که از یک قرارداد ثابت برای روایت داستان، تم شخصیت پردازی و طراحی بصری منحصر به فرد بهره می برد. از سوی دیگر کارشناس شناخته شده ای مانند ریموند دورگنت² (Raymond Durnat) صراحتاً معتقد است نوآر یک سبک است نه یک ژانر، چرا که هیچ یک از ویژگی های فیلم نوآر ثابت نیستند. نویسنده این مقاله نیز معتقد است گرچه نوآر شباهت های مشترک بسیار زیادی با یک ژانر دارد، اما در واقع یک سبک است. در واقع نوآر یک روحیه فیلم سازی است، وگرنه تمام ویژگی های مهم آن از جمله سیاه و سفید بودن و حتی آمریکایی بودن قابل حذف کردن هستند. همان طور که این تغییرات بارها تا کنون اعمال شده اند اما همچنان فیلم هایی با سبک نوآر ساخته می شوند.

ویژگی های سبک نوآر

حال باید دید سبک نوآر چه ویژگی هایی دارد. ویژگی های اصلی فیلم نوآر را می توان به دو دسته فرمی و محتوایی تقسیم کرد. از جمله ویژگی های فرمی سیاه و سفید بودن فیلم، نورپردازی پرکنتراست خصوصاً سایه روشن، دکورهای استودیویی و استفاده از تکنیک «سینما اسکوپ» یا همان بکار بردن زیاد از لنز واید و قاب بندی مورب است. به طور مشخص فیلم های نوآر از خیابان



های باران خورده، فضاهای گرفته و کادرهای بسته³ برای القای ناامیدی و فساد ریشه دار استفاده می کنند. به ویژه نور راه راه که از پنجره کرکره دار عبور می کند، مورد علاقه فیلم سازان نوآر در دهه چهل و پنجاه بود. این ویژگی ها تا حدودی الهام گرفته از سبک هنری اکسپرسیونیسم در آلمان دهه بیست میلادی است. در این سبک هنری نیز مانند فیلم نوآر از نورپردازی های پرتضاد، سایه ها و زاویه های تند استفاده می شد. اتفاقاً جریان اکسپرسیونیسم آلمانی نیز تحت تاثیر شرایط بحرانی کشور آلمان اندکی پیش از جنگ جهانی اول بود.

شکل شماره 2: نور پردازی به سبک نوآر در فیلم خواب بزرگ (1946)

¹ ر.ک. The dark side of the screen, 1981

² ر.ک مقاله Paint it Black – The Family Tree of Film Noir. در این مقاله دورگنت می نویسد: «فیلم نوآر یک ژانر مانند گنگستری یا وسترن نیست».

³ کادر بسته (closed frame) به معنای آن است که سوژه اصلی توسط اشیاء و سوژه های دیگر در کادر محاصره و یا تحت فشار قرار می گیرد و چیز اضافه ای خارج از کادر برای تکمیل محتوا وجود ندارد. در نقطه مقابل کادر باز به معنای وجود سوژه ها و اشیاء دیگر بیرون از کادر است. کادر بسته معمولاً محتوای بیشتری دارد و لذا شلوغ تر است.

دسته دوم از ویژگی های فیلم نوآر ویژگی های محتوایی هستند. قابل ذکر است که ویژگی های محتوایی و فرمی به یکدیگر گره خورده اند و می توان گفت فرم هم راستا و در خدمت محتوای داستان است. در محتوای داستان های نوآر یک شخصیت اول حضور دارد که در اغلب اوقات کاراگاه، مامور مخصوص، بوکسور و یا نویسنده ای است که یک راز نهفته و یا مشکل روحی دارد. معمولا او در زندگی گذشته اش شکست خورده و اکنون با مساله جدیدی روبرو است که بازهم نمی تواند تمام ابعاد آن را حل و فصل کند. این شخصیت اول غالبا مردی سیگاری است که گاهی اوقات رفتارهای غیرانسانی و غیراخلاقی دارد. فیلم نوآر داستان سقوط این شخصیت اصلی است. در این داستان ها موقعیت بدی برای شخصیت اول به وجود می آید، ولی به خاطر شرایطی که خارج از کنترل اوست فیلم با وضعیتی نه چندان بهتر و یا حتی بدتر از آغاز به پایان می رسد. تباهی و فساد که در اکثر فیلم های نوآر به نمایش در می آید، بزرگ و ریشه ای هستند به نحوی که نه تنها توسط یک فرد قابل حل نیستند، بلکه او را نیز در خود فرو می برند. گاهی اوقات صدای شخصیت اصلی داستان بر روی فیلم (voice-over) وجود دارد که چگونگی سقوط خود را توصیف می کند.

نکته ویژه و پررنگ در محتوای این فیلم ها وجود یک زن برای ایجاد اختلاف پتانسیل در داستان است. این زن بر خلاف فیلم های پیش از نوآر و یا حتی فیلم های پس از آن، شخصیتی مهربان، معشوق، لطیف و یا منفعل و ضعیف نیست. او از ظاهر زیبایی خود استفاده کرده و مردان را اغفال می کند تا خواسته ها و نیازهای خود را مرتفع کند. این زنان خود نیز در طول زندگی شان ضربه خورده اند و گاهی درصدد انتقام از شرایط نابرابر هستند. این شخصیت بازنمودی از زنان آمریکایی در دوره جنگ و سقوط اجتماعی در آمریکا است، که برای تامین معاش خود مجبور بودند از تمام توانایی های خود استفاده کنند. کارشناسان از این شخصیت با عنوان *Femme Fatale* یا زن نابود کننده نام می برند. شخصیت این زنان بدجنس الهام گرفته از داستان های هومر



در یونان باستان است. به عنوان مثال مدوسا (Medusa) الهه یونان باستان زنی بسیار زیبا بود که می توانست با موهای مارگونه اش قدرت زنانه خود را مانند زهر به دشمنانش وارد کند و با چشمانش مردان را سنگ می کرد.

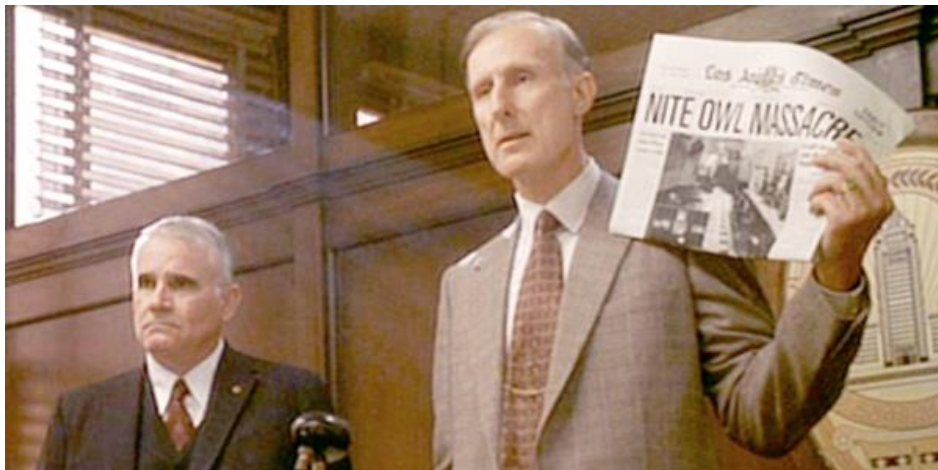
تصویر شماره 3: زن نابودگر (*Femme Fatale*) یکی از ویژگی های مهم و پرتکرار فیلم های نوآر است. تصویری از فیلم *گرامت* مضاعف ساخته بیلی وایلد.

نوآر ادامه دارد...

اما آیا عوامل شکل گیری فیلم نوآر به کلی از بین رفته اند؟ آیا با اتمام جنگ جهانی دوم و برطرف شدن نسبی مشکلات جامعه آمریکا و در نهایت عوض شدن نسل آمریکایی، فیلم نوآر دیگر از رونق افتاده است؟ واقعیت این است که خیر! اتمام جنگ جهانی دوم به آغاز جنگ سرد با شوروی در دهه پنجاه انجامید و در دهه های بعد نیز شاهد اتفاقات ترسناکی مانند تسلط کامپیوتر و هوش مصنوعی، اسلحه های کشتار جمعی، موجودات فضایی، فساد سیاست مداران و غیره هستیم. در واقع ادامه این سبک

فیلمسازی به خاطر ادامه دار بودن ترس از خطر بزرگی است که احتمالاً ما از آن بی‌اطلاعییم و ارزش‌های ما را تهدید می‌کند. این تهدیدها و ترس‌ها نه تنها محدود به کشور خاصی نمی‌شود بلکه هر چه از دهه‌های اولیه قرن بیستم به سمت قرن بیست و یکم نزدیک تر می‌شویم قوت بیشتری می‌گیرند.

فیلم نوآر به مرزهای آمریکا و مشکلات هویتی مردم آن کشور پس از جنگ جهانی دوم محدود نمی‌شود. به تدریج نگاه تلخ و تیره آمریکایی‌ها به هویت و موقعیت فردی و اجتماعی خود که در سبک نوآر بروز کرده بود، به تمام جهان صادر شد. به عنوان مثال می‌توان به یکی از سرچشمه‌های هنری فیلم نوآر و چگونگی تاثیرگذاری بین‌المللی آن اشاره کرد. رمان مشهور جیمز کین (James Cain) با عنوان «پستچی همیشه دوبار زنگ می‌زند» در دهه سی میلادی به خاطر نگاه خاص و نامیدانه اش بسیار مورد توجه قرار گرفت، و الهام بخش بسیاری از فیلم‌های نوآر آمریکایی شد. جیمز کین همچنین نویسنده داستان «غرامت مضاعف» است که فیلم مشهور بیلی وایلدر در سبک نوآر اقتباس‌غیروفاداری از آن داستان محسوب می‌شود. این داستان بارها و بارها مورد اقتباس سینمایی در کشورهای مختلف جهان قرار گرفته است. در فرانسه فیلم «چرخش نهایی» (Final Turn) حتی



پیش از ساخت فیلم غرامت مضاعف و در سال 1939 ساخته شد. در ایتالیا فیلم «وسواس» (Obsession) به سال 1943، در نروژ فیلم «مرگ یک نوازش است» (Death Is a Caress) به سال 1949 و در دوره‌های جدیدتر این داستان در فیلم‌های کشورهای دیگر نیز ظاهر شده است.⁴ اما دلیل این جهانی شدن چیست؟

تصویر شماره 4: محرمانه لس‌آنجلس (1997) از جمله فیلم‌های فاخر سبک نئونوآر محسوب می‌شود. در این تصویر نشانه‌هایی از ویژگی‌های فرمی و محتوایی فیلم نوآر دیده می‌شود.

یکی از دلایل عمده جهانی شدن این نوع نگاه در سینما، جهانی بودن جنگی است که یکی از عوامل مهم ایجاد این ژانر در سینمای آمریکا بود. به بیان دیگر همان‌طور که جنگ جهانی روی کشور آمریکا تاثیر گذاشت و مردم را متوجه افول و فساد اجتماعی خود کرد، در کشورهای دیگر اتفاقات مشابهی رخ داد. از آلمان و ایتالیا و فرانسه گرفته تا کره جنوبی و ژاپن هر یک به نحوی تحت تاثیر این جنگ بزرگ قرار گرفتند و شاهد تغییرات عمده‌ای در جامعه خود بودند. شاید بتوان گفت ساختار سیاسی این کشورها بعد از جنگ جهانی به شکلی رقم خورد که اثرات آن همچنان دیده می‌شود. پس می‌توان گفت مردم بسیاری از کشورهای جهان حس مشابهی با مردم آمریکا داشتند. بیابید این پدیده را «جهانی شدن» بخوانیم. جهانی شدن اتفاقی است که احتمالاً با جنگ‌های جهانی آغاز شد. متأسفانه آغاز ارتباط وسیع مردم جهان با یکدیگر همراه با مرگ و خسارت بود.

⁴ Jennifer Fay & Justus Nieland (2009) Routledge, p.ix-xiii

گفتیم که این سبک خاص در سینما مسلماً از آمریکا به کشورهای دیگر نیز صادر شده است. اما باید گفت علاوه بر جهانی شدن، از اوایل دهه 50 میلادی و با رشد اقتصاد و سلطه سیاست آمریکا بر جهان، نوعی «آمریکایی شدن» نیز به موازات آن شکل گرفته است. در واقع آن شکل واحدی که جهان به سوی آرزوها و ارزش‌هایش پیش می‌رود، شباهت بسیاری به سبک زندگی آمریکایی دارد. لذا دغدغه‌ها و مسائل مردم جهان از نیمه دوم قرن بیستم تا حدود زیادی مشابه دغدغه‌های مردم آمریکا شده است. یعنی حتی اگر دغدغه‌ها و مسائل افول جامعه و معصومیت از دست رفته زنان در بخش‌هایی از جهان چندان مشکل خاصی محسوب نمی‌شد، اما چون آمریکا قدرت فرهنگی، اقتصادی و سیاسی دنیا را به دست گرفته، مشکل خود را به تمام مردم جهان القا کرده است. این سلطه روز به روز بیشتر شد، تا حدی که کشور آمریکا از یک سو جامعه ایده آل جهانی شناخته شد و از سوی دیگر همین قدرت زیاد باعث ترس کشورهای دیگر نیز شد. در واقع آمریکایی شدن با ترسی احترام آمیز همراه شد.

باید به این نکته توجه داشت که علی‌رغم یکی شدن دغدغه‌های بین‌المللی در ژانر نوآر، همچنان مولفه‌های بومی در بطن داستان‌ها دیده می‌شود. به بیان دیگر گرچه دغدغه بسیاری از کشورهای صنعتی در نیمه دوم قرن بیستم معطوف به فساد و



تصویر شماره 5: جهانی شدن از طریق جنگ‌های جهانی و سپس آمریکایی شدن خسارت‌های زیادی را برای مردم جهان به بار آورده است. (نقاشی از Gifford Beal به سال 1918 با عنوان ON THE HUDSON AT NEWBURGH)

تباهی در هویت فردی و اجتماعی شد، اما هر یک از جوامع سوال را به فراخور محیط خود طراحی می‌کردند. به عنوان مثال، در حالی که فیلم آمریکایی «شاهین مالت» حول عتیقه‌ای خارجی از کشور مالت و تجارت بین‌المللی طرح ریزی می‌شود، در نوآر فرانسوی مثلاً فیلم «آسانسوری به پای چوبه دار» قهرمان داستان در شرکتی بین‌المللی فعالیت می‌کند که مدیر عامل آن مرتب به کشورهای خارجی

سفر می‌کند و اسباب حسادت و نفرت دیگران را بر می‌انگیزد. این ترس از نفوذ کشورهای خارجی و

تباهی در سرزمین مادری در بیشتر فیلم‌های نوآر دیده می‌شود و ریشه در همین «جهانی شدن» دارد. آمریکایی‌ها نگران کشور و ارزش‌های خود هستند و فرانسوی‌ها نگران سرمایه‌های خود.

فرا رفتن سبک نوآر از مرزهای مکانی و زمانی باعث آن شد که بسیاری از مولفه‌های مرکزی آن به شکل سیال قابلیت حذف و اضافه شدن داشته باشند. بعد از دهه چهل و پنجاه میلادی فیلم‌هایی ساخته شد که گرچه از برخی جنبه‌ها به سبک نوآر شبیه بود، اما از جنبه‌های دیگری تفاوت عمده با شکل اصیل نوآر داشت. به عنوان مثال فیلم «محل چینی‌ها» به عنوان نمونه شاخصی از فیلم نوآر جدید است که به صورت رنگی ساخته شده است (گرچه حسی که فیلم منتقل می‌کند چندان رنگی

نیست). در واقع فیلم نئو نوآر همان نوآر است که در زمینه و زمانه مدرن ساخته می شود. تهدیدهای فضایی، هوش مصنوعی یا دوربین فیلمبرداری و تاثیر آن روی شکل دهی حافظه موضوعات جدیدی هستند که در فیلم نئو نوآر مورد توجه قرار می گیرند. همچنین تکنیک های جدید نورپردازی و فیلم برداری و یا القای مفاهیم نوآر در شکل و شمایلی نوین همگی مربوط به سبک نئو نوآر است. برای نمونه در فیلم «محرمانه لس آنجلس» به نظر می رسد پایان بندی فیلم خوش و مثبت است، اما وقتی دقیق تر به داستان می نگریم، شاهد فساد و تباهی در لایه های زیرین جامعه هستیم. شخصیت مثبت داستان در انتهای فیلم به این نتیجه می رسد که باید برای حفظ خودش در برخی بازی های اجتماعی شرکت کند و یا برخی کارهای ناشایست را انجام دهد. پس می توان گفت این فساد عمیق و ریشه دار که غیرقابل اصلاح است، همان روح فیلم نوآر است.

مجموعه فیلم ها

کارشناسان فیلم های بسیاری را به عنوان فیلم نوآر معرفی کرده اند. برخی از این فیلم ها از وجود بازیگران و عوامل شاخص بهره برده اند. فیلم های نئو نوآر نیز به خودی خود جای پژوهش و فعالیت دارند. ما در این پرونده سعی کردیم گلچینی از فیلم های ارزشمند سبک نوآر و چندی از نمونه های نئو نوآر را از کشورهای مختلف تحلیل و بررسی کنیم. از جمله ویژگی های بارز این پرونده وجود فیلم های بسیار ارزشمند تاریخ سینما است. شش عنوان از فیلم های این پرونده در زمره 250 فیلم برتر سایت imdb قرار دارند. البته باید توجه داشت که عدم بررسی یک فیلم نوآر در این مجموعه، اصلا به معنای کم ارزش بودن آن فیلم یا حتی کم اهمیت بودن آنها نیست. برخی از مهمترین فیلم های بیلی وایلد (مانند سانست بولیوار) یا فیلم های هیچکاک (سرگیجه) از جمله فیلم های ارزشمند نوآر هستند که در این مجموعه به دلیل اختصار بررسی نشده اند. با در نظر گرفتن این نکات فیلم های این پرونده عبارتند از:

(شاهین مالت 1941): برخی معتقدند این اولین فیلم سبک نوآر است. همفری بوگارت در نقش کاراگاهی خصوصی است که در پی گشودن راز یک شی عتیقه است. در تحلیل فیلم می خوانیم که عتیقه و ارزش آن اهمیت چندانی ندارد، تم اصلی داستان شخصیت کاراگاه است که آمادگی عاشق شدن را دارد، اما زنانگی و عشق در دنیا یافت نمی شود. این فیلم در زمره 250 فیلم برتر سایت imdb قرار دارد.

(غرامت مضاعف 1944): یکی از آثار به یاد ماندنی کارگردان مشهور آمریکا بیلی وایلد است. بیلی وایلد استاد سبک نوآر است و این اثر از جمله مهمترین فیلم های نوآر محسوب می شود. یک مامور بیمه تحت تاثیر زنی زیبا مجاب می شود که شرایط قتل و سپس گرفتن حق بیمه شوهر زن را فراهم کند. اما در انتها توسط همان زن کشته می شود. این فیلم در زمره 250 فیلم برتر سایت imdb قرار دارد.

(خواب بزرگ 1946): در این فیلم به کارگردانی هنرمند شاخصی همچون هاوارد هاکس زوج طلایی همفری بوگارت و همسرش لورن باکال به خوبی می درخشند. تم داستان نیز از استاد سبک نوآر ریموند چندلر است. داستان بسیار پیچیده با شخصیت های اصلی زیاد است، اما نکته در پیچ و خم های داستان نیست. محتوای اصلی داستان درام زندگی کاراگاهی خصوصی است که عاشق زنی هوشمند و فریبکار می شود. (بر خلاف انتظار از فیلم های نوآر این فیلم با وصال معشوق به پایان می رسد!)

(مرده ببوس مرا 1955): مایک کاراگاه میانسالی است که به شکلی تصادفی درگیر تجارت یک شی گرانبها می شود. در اینجا نیز شی گرانبها و چیستی آن که گویا سلاحی اتمی است ارزش چندانی ندارد، مهم فرآیندی است که مایک در طول فیلم طی می

کند و در نهایت خود و منشی اش را از مهلکه رهایی می بخشد. نسخه های متفاوتی با پایان بندی های متفاوت از این فیلم وجود دارد.

(شیطانی 1955): این فیلم نمونه ارزشمندی از فیلم نوآر در کشور فرانسه است. این فیلم نیز به نحوی با ماجراهای کاراگاهی گره خورده است و پای زنی فریبکار در میان است. مالک مدرسه کریستینا زن پولداری است که توسط زنی دیگر با نام نیکول که از معلم های مدرسه است و شوهرش آن قدر ترسانده می شود که سگته می کند. پیچیدگی ها، هیجان بالا و شخصیت پردازی فوق العاده فیلم، آن را در زمره 250 فیلم برتر سایت imdb قرار داده است.

(آسانسوری به چوبه دار 1958): نمونه دیگری از فیلم نوآر در کشور فرانسه که شاید بتوان گفت بعد از آمریکا در این سبک مهارت ویژه ای دارد. این فیلم نمایش دلهره آوری از گرفتاری مردی در آسانسور است، که پیش از این به تحریک زنی مرتکب یک قتل شده است. سکانس های زیبایی راه رفتن پردلهره زن در خیابان ها و همچنین بازپرسی مرد توسط کاراگاهان از نمونه های بارز سبک نوآر و نورپردازی ویژه آن است.

(محل چینی ها 1974): شاهکار رومان پولانسکی که با بازی درخشان جک نیکلسون به سبک نئونوآر ساخته شده است. داستان همانند همتهای نوآر خود ماجرای کاراگاهی درونگرا است که وارد فساد ریشه دار جامعه و ماجرای جنایی می شود. او که در طول فیلم اندک اندک در حال عاشق شدن است، در انتهای فیلم و با کشته شدن زن فریبکار داستان، در لایه های عمیق تری از ناامیدی و غم فرو می رود. این فیلم در زمره 250 فیلم برتر سایت imdb قرار دارد.

(بزرگراه گمشده 1997): از جمله نمونه های بارز سبک نئونوآر در آمریکا اثر معروف دیوید لینچ است. داستان فیلم همچون کلافی در هم پیچیده است و نباید انتظار داشت کسی با یک بار دیدن فیلم متوجه تمام داستان شود. کارشناسان معتقدند این فیلم سورئال بیش از هر چیز ارزش فرمی دارد. استفاده از نورپردازی هنرمندانه، قاب بندی های غیرمنتظره و دوربینی که نقش بازی می کند، از جمله مهمترین مولفه های ساخت فیلم است.

(محرمانه لس آنجلس 1997): فیلم ارزشمندی که با بازی کوین استیسی و راسل کرو جلوه عمومی نیز یافته است. محرمانه لس آنجلس داستانی سه خطی دارد که روایت سه پلیس با رویکردهای مختلف نسبت به حق را نشان می دهد. سیستم قضایی و پلیسی آمریکا که به شدت فاسد است در نهایت پلیس های خوب را هم به نحوی در خود هضم می کند. این فیلم در زمره 250 فیلم برتر سایت imdb قرار دارد.

(خاطره ای 2000): کریستوفر نولان کارگردان مشهور آمریکایی نیز در سبک نوآر فیلم ساخته است. او در این فیلم شاهکاری از سینمای هالیوود را رقم می زند. در این فیلم داستان مردی نقل می شود که حافظه او تنها به چند دقیقه محدود شده است. او به دنبال انتقام از قاتل همسرش است و با استفاده از یادداشت برداری روی بدنش، سعی در حفظ خاطرات می کند. داستان هیجان انگیز و پرتعلیق فیلم دو خطی است و از پایان به ابتدا شکل می گیرد. این فیلم در زمره 250 فیلم برتر سایت imdb قرار دارد.

ردیف	نام فیلم	سال ساخت	کارگردان	کشور سازنده	نمره IMDB	نمره Classifilms
1	The Maltese Falcon	1941	John Huston	آمریکا	8.1	7.7
2	Double Indemnity	1944	Billy Wilder	آمریکا	8.3	8.5
3	The Big Sleep	1946	Howard Hawks	آمریکا	8	7.2
4	Diabolique	1955	Henri-Georges Clouzot	فرانسه	8.1	8.3
5	Kiss Me Deadly	1955	Robert Aldrich	آمریکا	7.7	6.6
6	Elevator to the Gallows	1958	Louis Malle	فرانسه	8	7.7
7	Chinatown	1974	Roman Polanski	آمریکا	8.2	7.9
8	L.A. Confidential	1997	Curtis Hanson	آمریکا	8.3	7.8
9	Lost Highway	1997	David Lynch	آمریکا	7.6	8
10	Memento	2000	Christopher Nolan	آمریکا	8.5	8.9